

تغذیه ترامپ از وحشت جمعیتی سفیدها

جیم رایزن*

امریکایی‌های سفیدپوست که با باز دست دادن اکثریت خود و قدرت ناشی از آن دچار پارانویا شده‌اند همچنان از سیاست‌های نژادپرستانه ترامپ علیه مهاجرت حمایت می‌کنند. گیتسبورگ، جایی است که از آنجا کنفدراسیون به شمال حمله کرد تا آخرین تلاش خود برای حفظ برده‌داری و برتری سفیدپوستان را صورت دهد. این شهر، امریکایی‌ترین شهر ایالات متحده است. اینجا جایی بود که رابرت لی تلاش کرد ملت را نابود کند. همان جایی که ابراهام لینکلن کوشید تا وضع آن را بهبود بخشد و ویلیام فاکنر یک قرن بعد فاش کرد این کشور، هنوز به طرز فجیعی نژادپرست و دردم شکسته است. اگرچه گیتسبورگ گذشته خوین خود در دوران جنگ داخلی را در پس مکت‌دونالد، بر گر کینگ و والمارت، پنهان کرده، اما امروز همچنان پایتخت نمادین جنگ بی‌پایان امریکا سر تاریخ این کشور است. امروزه، این شهر، دونالد ترامپ را به بهترین شکل توصیف می‌کند: ظهور ترامپ به ترس سفیدها و قدرت سفیدپوستان مربوط می‌شود؛ همان انگیزه‌هایی که باعث آغاز جنگ داخلی شد و فهم آن به درک بهتر دستور کار ترامپ کمک می‌کند.

همانطور که بسیاری از صاحب‌نظران به آن اشاره کرده‌اند، پدیده ترامپ و موج افراط‌گرایی دست راستی در امریکا به اضطراب اقتصادی ارتباطی ندارد. البته بسیاری از رأی‌دهندگان از جمله برخی اقلیت‌ها با این تصور اشتباه که ترامپ برای اقتصاد مفید است، از ترامپ حمایت برای اما برای پایگاه ماگا «امریکا را دوباره با عظمت کنیم» (MAGA)، ترامپ، همیشه در زمینه نژاد و نژادپرستی نقش مؤثر ایفا کرده است. امروزه با توجه به اینکه ترامپ بازار سهام را متلاطم کرده و با تعرفه‌های فلج‌کننده خود به احتمال یک بحران مالی جهانی جدید بخشیده است، این واقعیت به رأی‌دهندگان ماگا انگیزه اقتصادی ندارند، روشن شده است. به عبارتی همان‌هایی که از صدا بلندای تورم در دولت جو بایدن شکایت می‌کردند، اکنون دیگر به قیمت‌های بالاتر و وحشت مالی ناشی از تعرفه‌های ترامپ اهمیتی نمی‌دهند.

عوام‌فریبی ناشی از ترس‌های نژادی
در واقع ماگا به جای اضطراب اقتصادی، گرفتاریک پارانوایای جمعیتی از همان نوعی است که در سال‌های قبل از جنگ داخلی در سراسر جنوب افزایش یافت. وحشت متوع شود که سفیدپوستان قدرت خود را بر سیاست و جامعه‌ا دست بدهند

گسترش سیاست‌های غرب امریکا منجر به شکل‌گیری بسیاری از ایالت‌های آزاد شود که در نهایت تعداد آنها در کنگره بیشتر خواهد شد که به کاهش قدرت جنوب برای دفاع از برده‌داری منجر می‌شود. عامل جنگ داخلی به نگرانی از تحولات آینده مربوط می‌شد. امروز نیز ماگا از آینده می‌ترسد. از این وحشت دارد که امریکا به زودی آنقدر متنوع شود که سفیدپوستان قدرت خود را بر سیاست و جامعه از دست بدهند. رقمی که ماگا را بیش از همه ترسانده، مربوط به

سال ۲۰۲۵ است که نشان می‌دهد فقط حدود ۴۷ درصد از کودکان امریکایی زیر پنج سال، سفیدپوست هستند. این آمار، ترس ماگا و بسیاری از برنامه‌های ترامپ را توضیح می‌دهد. سیاست‌های سختگیرانه ضد مهاجرت اعم از اخراج و تلاش‌های او برای پایان دادن به شهروندی حق تولد، همچنین جنبش ضد سقط جنین و جنبش جناح راست طرفدار ناتال هر دو نشان‌دهنده تلاش‌های کمرنگ برای افزایش درصد سفیدپوست از جمعیت در همین راستاست. حقیقت نژادپرستانه جنبش جناح راست طرفدار ناتال با بررسی مواض متناقض آن روشن می‌شود. بسیاری از رهبران آن به شدت ضد مهاجرت هستند و در عین حال می‌گویند از کاهش جمعیت می‌ترسند، در حالی که آنها فقط از کاهش جمعیت

سفیدپوستان اومه دارند. تازمانی که ترامپ در مورد نژاد و هویت، عوام‌فریبی می‌کند و اقداماتی را انجام می‌دهد که پایگاه او فکر می‌کند برای مهار رشد جمعیتی اقلیت و تقویت قدرت سفیدپوستان طراحی شده است، ماگا با هر کاری که او بخواهد انجام

دهد همراهی می‌کند.

دامن زدن به تئوری توطئه
در حال حاضر، این پیوند نژادی بین ترامپ و پایگاه او از طریق سیاست‌های سختگیرانه ضد مهاجرتی ترامپ آشکار می‌شود. ترامپ و پایگاه ماگا در مورد مهاجران و سواس

سال ۲۰۲۵ است که نشان می‌دهد فقط حدود ۴۷ درصد از کودکان امریکایی زیر پنج سال، سفیدپوست هستند. این آمار، ترس ماگا و بسیاری از برنامه‌های ترامپ را توضیح می‌دهد. سیاست‌های سختگیرانه ضد مهاجرت اعم از اخراج و تلاش‌های او برای پایان دادن به شهروندی حق تولد، همچنین جنبش ضد سقط جنین و جنبش جناح راست طرفدار ناتال هر دو نشان‌دهنده تلاش‌های کمرنگ برای افزایش درصد سفیدپوست از جمعیت در همین راستاست. حقیقت نژادپرستانه جنبش جناح راست طرفدار ناتال با بررسی مواض متناقض آن روشن می‌شود. بسیاری از رهبران آن به شدت ضد مهاجرت هستند و در عین حال می‌گویند از کاهش جمعیت می‌ترسند، در حالی که آنها فقط از کاهش جمعیت

سفیدپوستان اومه دارند. تازمانی که ترامپ در مورد نژاد و هویت، عوام‌فریبی می‌کند و اقداماتی را انجام می‌دهد که پایگاه او فکر می‌کند برای مهار رشد جمعیتی اقلیت و تقویت قدرت سفیدپوستان طراحی شده است، ماگا با هر کاری که او بخواهد انجام

دهد همراهی می‌کند.

دامن زدن به تئوری توطئه
در حال حاضر، این پیوند نژادی بین ترامپ و پایگاه او از طریق سیاست‌های سختگیرانه ضد مهاجرتی ترامپ آشکار می‌شود. ترامپ و پایگاه ماگا در مورد مهاجران و سواس



درآمد. ترامپ مجموعه‌ای از دستورات ضد مهاجرتی از جمله جلوگیری از اجرای قوانین را لغو کرده است. ترامپ و پایگاه ماگا در مورد مهاجران وسواس دارند. رئیس‌جمهور، توضیح می‌دهد. سیاست‌های سختگیرانه ضد مهاجرت کردن بودجه برای اسکان مجدد پناهندگان و لغو وضعیت حفاظت شده موقت پناهندگان از وترولا، ممنوعیت کمک‌های حقوقی مهاجران، بازداشت و اخراج دانشجویان را صرفاً به این دلیل که آنها در اعتراضات بین‌المللی طرفدار فلسطینی‌ها شرکت کرده‌اند، صادر کرده است. بسیاری از دستورات او از جمله تلاش برای پایان دادن به شهروندی ناشی از حق تولد با چالش‌های قانونی مداوم روبه‌رو هستند. تنها نکته عمیقی از دولت فدرال را شکل داده و این وضعیت، درست مانند جنوب در دهه ۱۸۵۰ است. پیروان ترامپ نه تنها بر این باورند که دولت فدرال در کاهش جمعیتی آنها نقش داشته است، بلکه به نظر می‌رسد متقاعد شده‌اند که لیبرال بزرگ است که سبک غربی دیگر ساختار سیاسی مناسبی برای آنها نیست. به نظر می‌رسد که آنها مایلند در ازای یک خودکامه ناسیونالیست سفیدپوست یعنی شخصیتی مانند دونالد ترامپ از دموکراسی دست بکشند.

نو‌بسنده، گزارشگر سابق نیویورک تایمز، خبرنگار ارشد امنیت ملی اینترسپت
نژاد و هویت می‌چرخد منتهی شده است. بدترین آنها ادعا می‌کند یک دولت چپ‌گرا به طور مخفیانه موجی از مهاجرت را به راه انداخت تا جایگزین جمعیت سفیدپوست امریکا شود. اوضاع کنونی به وضعیت جنوب پیش از جنگ شباهت دارد که با تئوری‌های توطئه در مورد نژاد و هویت آمیخته بود.

گسترش تنفر از دولت فدرال

امروزه، باورهای ماگا چنان گسترش یافته که حتی بیشتر جمهوریخواهان سنتی باور کرده‌اند لیبرال‌ها به دنبال خرابکاری در امریکای سنتی هستند. مثلاً ویلیام بار که پس از فعالیت به عنوان دادستان کل ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری او با ترامپ مخالفت کرد، در سال ۲۰۲۴ تأکید داشت نمی‌تواند از یک نامزد دموکرات ریاست جمهوری حمایت کند، زیرا اعتقاد داشت ادامه دولت بایدن، خودکشی ملی است.

ظهور ترامپ با دستاويز قرار دادن تئوری‌های توطئه نژادپرستانه و با ادعاهای نادرست او مبنی بر اینکه باراک اوباما در ایالات متحده به دنیا نیامده بود، آغاز شد و در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۲۴ با دروغ او مبنی بر اینکه مهاجران هائیتی‌ی در وهايو حیوانات خانگی مردم را می‌خوردند، برجسته شد. یکی از مهارت‌های بزرگ سیاسی او تعامل بی‌شرمانه‌اش به دروغ گفتن برای جلب نظر سفیدپوستانی است که از آینده‌ای متشکل از طیف‌های متنوع می‌ترسند. ترامپ آنها را به شاگردان خود در ماگا تبدیل می‌کند، در حالی که ماگا، اکثریت کشور را در برنری گیرد اما به اندازه کافی بزرگ است که بر پایگاه حزب جمهوریخواه تسلط داشته باشد و توضیح می‌دهد که چرا سیاستمداران جمهوریخواه، تمایلی به موضع‌گیری علیه هیچ یک از اقدامات آشفتنه ترامپ ندارند.

بدترین نکته این است که ماگا، اکنون چنان در تئوری‌های توطئه غوطه‌ور شده که تنفر عمیقی از دولت فدرال را شکل داده و این وضعیت، درست مانند جنوب در دهه ۱۸۵۰ است. پیروان ترامپ نه تنها بر این باورند که دولت فدرال در کاهش جمعیتی آنها نقش داشته است، بلکه به نظر می‌رسد متقاعد شده‌اند که لیبرال بزرگ است که سبک غربی دیگر ساختار سیاسی مناسبی برای آنها نیست. به نظر می‌رسد که آنها مایلند در ازای یک خودکامه ناسیونالیست سفیدپوست یعنی شخصیتی مانند دونالد ترامپ از دموکراسی دست بکشند.

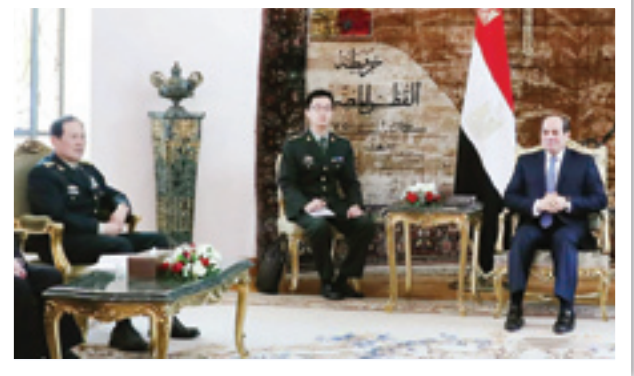
نو‌بسنده، گزارشگر سابق نیویورک تایمز، خبرنگار ارشد امنیت ملی اینترسپت

سجاد مرادی کلارده

چین به عنوان یک قدرت بین‌المللی همواره به دنبال حوزه‌های نفوذ جدید برای خود است و از ابزارهای مختلفی همچون اقتصاد و ژئوپلیتیک استفاده می‌کند. سیاست حوزه نفوذ علاوه بر شرق و دریای چین جنوبی به عنوان حوزه سنتی این کشور، مناطق دیگر را نیز دربر می‌گیرد که آفریقانیز از آن جمله است. اخیراً اولین رزمایش نظامی بین چین و مصر با عنوان «عقاب‌های تمدن ۲۰۲۵» انجام شده است. وزارت دفاع ملی چین در بیانیه‌ای اعلام کرد این رزمایش برای ارتقای همکاری عملی و افزایش اعتماد و دوستی متقابل بین دو ارتش است. نیروهای مسلح مصر نیز اعلام کرد این رزمایش با تعدادی از هواپیماهای جنگنده چندمنظوره و با هدف تبادل تخصص و افزایش مهارت‌های نیروهای شرکت‌کننده انجام می‌شود. در ارتباط با این موضوع و تلاش‌های چین برای افزایش حوزه نفوذ در این منطقه چند نکته حائز اهمیت است.

رویکرد راهبردی چین به آفریقا

یکی از جنبه‌های افزایش قدرت چین، ایفای نقش مسئولانه در محیط بین‌الملل و عملکرد مستقل به عنوان یک قدرت بین‌المللی است. برای بسیاری از کشورها از آسیا گرفته تا آفریقا و بخش‌هایی از اروپا، چین به مهم‌ترین شریک اقتصادی تبدیل شده است. کشورهای آفریقایی در این خصوص پیش‌شاز هستند. کشورهای این قاره که در گذشته مستعمره دول اروپایی بودند تا سال ۲۰۰۹ به بزرگ‌ترین شریک تجاری چین تبدیل شدند و چین نیز به بزرگ‌ترین کشور وام‌دهنده به بخش دولتی آفریقا مبدل شد. سرمایه‌داران چینی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا



تنوع بخشی دفاعی مصر و تعمیق نفوذ چین در آفریقا

همکاری‌های چین با مصر بخشی از پازل بزرگ این کشور برای اثرگذاری بیشتر به ویژه در شمال آفریقا است. الیسی می در یک مصاحبه قدیمی با واشینگتن پست قبل از انتخاب به ریاست جمهوری مصر با انتقاد از دولت امریکا گفته بود: «شما مصر را رها کردید. به مصری‌ها پشت کردید و آنها این را فراموش نخواهند کرد.» به طور کلی نارضایتی مصر از سیاست ناکارآمد امریکا در جریان تحولات موسوم به بهار عربی در مصر، این کشور را برای ایجاد تنوع در شرکای خارجی مصمم کرد و چین مهم‌ترین گزینه در این راه بود. با توجه به لزوم تنوع بخشی در شرکای بین‌المللی و در نظر داشتن روند افزایشی همکاری‌های اقتصادی و دفاعی، رزمایش مشترک چین و مصر از اهمیت قابل توجه برخوردار است. با اینکه بخشی از ناوگان نظامی هوایی مصر از جمله جنگنده‌های اف-۱۶ و بالگردهای CH-۴۷ Chinook و AH-۶۴ Apache ساخت امریکا است و مصر قرار است هواپیماهای ترابری C-۱۳۰- نیز از واشینگتن دریافت کند، اما حضور جت‌های جنگنده چینی C-۱۰C-و هواپیماهای ترابری Y-۲۰- در این رزمایش، تحول در روابط دفاعی مصر که متحد امریکاست با چین برای نمایش عضوانیشکنده خاورمیله در این باره معتقد است: «رزمایش‌های مصر و چین نشان‌دهنده یک تغییر اساسی در ژئوپلیتیک خاورمیانه است، زیرا قدرت نظامی در فاصله ۶ هزار کیلومتری از یک همکاری می‌کند. این رزمایش، جنگنده‌های C-۱۰C-و هواپیماهای ترابری Y-۲۰- را برجسته می‌کند و عملیات‌های دوربرد و سازگاری با محیط‌های منطقه‌ای را نشان می‌دهد و در نتیجه اعتبار جهانی آن را تقویت می‌کند.» در مجموع از یکسو به نظر می‌رسد پکن تمایل دارد تا از این رزمایش به عنوان بستری برای تبلیغ جنگنده‌های پیشرفته خود استفاده کند و به گسترش صادرات تجهیزات نظامی بپردازد. از سوی دیگر ترامپ کمک‌های خارجی امریکا را به پایین‌ترین حد کاهش داده است. در مورد مصر نیز هر چند روابط مصر و امریکا در شرایط مطلوب قرار دارد، اما به نظر می‌رسد ترامپ چندان از عملکرد مصری‌ها در بحران غزه راضی نیست. در این شرایط مصر با میزبانی از نیروی هوایی چین، این پیام را به واشینگتن ارسال می‌کند که قادر به تنوع بخشیدن در تدارکات دفاعی خود است.



نارضایتی مصر از سیاست ناکارآمد امریکا در جریان تحولات موسوم به بهار عربی در مصر، این کشور را برای ایجاد تنوع در شرکای خارجی مصمم کرد و چین مهم‌ترین گزینه در این راه بود